

حق بر فراموش شدن؛ از مفهوم‌شناسی تا چالش‌های فراروی آن

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۸

تاریخ تأیید: ۹۶/۶/۳

نبی‌الله غلامی*

حسن علی مؤذن زادگان**

چکیده

حق بر فراموش شدن، به‌عنوان یکی از حقوق نتیجه‌گرفته شده از حق بر حریم خصوصی، به منزله امکان حذف اطلاعات مرتبط با اشخاص در فضای مجازی (و حقیقی) به درخواست آن‌هاست که در چند سال اخیر در رویه قضایی برخی کشورها و نیز دیوان دادگستری اتحادیه اروپا به آن توجه شده است. به‌رغم برخی بحث‌های طرح‌شده درباره تعارض‌های این حق با برخی حقوق و آزادی‌ها و نیز امکان سوءاستفاده از این حق، امروزه دیوان دادگستری اتحادیه اروپا این حق را درباره پذیرش قرار داده است. با این وجود، رأی دیوان درباره پذیرش این حق به‌صورت نسبی و در تعامل با دیگر حقوق اساسی مانند حق آزادی رسانه‌ای، حق آزادی بیان و ... تشریح شده است. نظر به نوظهور بودن این مفهوم، در نوشتار پیش‌رو با بررسی زمینه شکل‌گیری، مفهوم و مبانی این حق، چالش‌های فراروی پذیرش آن نیز بررسی شده است.

*. دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی / نویسنده مسئول
(Nabiollah.Gholami@yahoo.com).

** دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
(moazenzadegan@gmail.com).

واژگان کلیدی: حق بر فراموش شدن، گوگل، حریم خصوصی، اطلاعات، آزادی بیان.

مقدمه

از دید فلسفه حقوق، برای اعمال مجازات توجیه‌های گوناگونی مانند تلافی، بازپروری، بازدارندگی، شرم‌سازسازی، ناتوان‌سازی و ... بیان شده است. این توجیه‌ها را به‌طور کلی می‌توان در دو گروه هدف‌های واپس‌گرایانه مجازات مانند تلافی و تقبیح که بر جرم رخ داده شده توجه و تمرکز می‌کنند و نیز اهداف نوگرایانه مجازات همانند بازدارندگی، بازپروری و ... که بر آثار مجازات بر مجرم و جامعه تمرکز می‌کنند، قرار داد (بیکس، ۱۳۹۰، ص ۳۰۳). از میان اهداف نوگرایانه مجازات، بازدارندگی به‌علت اهمیت خاصی که در پیش‌گیری از تکرار جرم دارد، مورد توجه جرم‌شناسان و محققان قرار گرفته است. به‌طور معمول، بازدارندگی را به دو نوع بازدارندگی عام و بازدارندگی خاص تقسیم‌بندی کرده‌اند.^{*} بازدارندگی عام مبتنی بر این گزاره است که مشاهده مجازات‌شدن شخص مجرم به‌وسیله جامعه، می‌تواند کارکردی بازدارنده برای ارتکاب جرم به‌وسیله افراد جامعه را به دنبال داشته باشد (Akers, Sellers, 2013, p6). بازدارندگی خاص نیز بر این باور است که اگر شخص برای رفتار مجرمانه خود مجازات شود کمتر احتمال دارد که در آینده مرتکب نقض قانون شود (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰). طبیعتاً برای رسیدن به هدف بازدارندگی عام، نیاز به اطلاع‌یافتن جامعه از مجازات‌شدن شخص مجرم است. در گذشته فرایند اطلاع جامعه از مجازات مجرم، به دو راه اجرای علنی مجازات و تشهیرکردن مرتکب جرم صورت می‌گرفته است. تحت تاثیر جنبش‌های حقوق بشری و نیز اثبات عدم رسیدن به بازدارندگی در اجرای علنی مجازات‌ها، رفته‌رفته تمایل مجریان قانون به این‌سو معطوف شد که «تنبیه و مجازات به پنهانی‌ترین بخش

*. برخی نیز بازدارندگی را به سه نوع کلی الف) بازدارندگی مطلق (عام)؛ ب) بازدارندگی محدود؛ ج) بازدارندگی خاص تقسیم‌بندی کرده‌اند. بازدارندگی مطلق به مواردی اطلاق می‌شود که یک فرد در طول زندگی خود از ارتکاب نوع خاصی از جرم می‌پرهیزد (غلامی، ۱۳۸۷، ص ۹۷). بازدارندگی محدود زمانی محقق می‌شود که فرد به‌طور نسبی از ارتکاب جرم بازداشته شده است؛ به این معنا که فرد فعالیت مجرمانه خویش را کاهش می‌دهد؛ زیرا می‌داند اگر به تجاوز به قانون ادامه دهد سرانجام مجازات خواهد شد هر چند برای تجاوز به آن قانون مجازات نشده باشد (همان به نقل از Gibbs, 1975: 32-33). منظور از بازدارندگی خاص از نظر گیبس نیز، تأثیر مجازات کنون بر کسی می‌باشد که آن را متحمل شده است (همان به نقل از Gibbs, 1975, p4).

فرایند کیفری بدل شود» (فوکو، ۱۳۹۵، ص ۱۸). امروزه در بسیاری از نظام‌های کیفری دنیا، اجرای علنی مجازات به‌طور کامل ممنوع شده و در کشورهایی نیز که این محدودیت به‌صورت مطلق وضع نشده است برای اجرای علنی مجازات، ضوابط و شرایط خاصی مقرر شده است.* با این وجود، درباره مجازات تشهیر، نه‌تنها ممنوعیتی وضع نشده است بلکه اعمال این نوع از مجازات، در پرتو پیشرفت‌های علمی، سیاق خاصی نیز به خود گرفته است. در شرایطی که در گذشته اعمال این نوع از مجازات با روش‌هایی مانند: جار زدن جرم محکوم‌علیه، آویختن زنگوله‌ای بر گردن متهم و گرداندن وی در اماکن عمومی و ... تحقق می‌یافت (جوان، ۱۳۸۷، ص ۷)، امروزه متداول‌ترین نوع تشهیر مجرمان، انتشار حکم محکومیت آن‌ها در جراید و رسانه‌های گروهی است.** در این نوع از مجازات،

*. به‌طور مثال، ماده ۴۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ درباره اجرای علنی مجازات‌ها این‌گونه مقرر می‌دارد: «اجرای علنی مجازات ممنوع است، مگر درباره الزام قانونی یا در صورتی که به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتكابی، چگونگی ارتكاب جرم و سوابق مرتکب و بیم تجری وی یا دیگران، دادگاه خود یا به پیشنهاد دادستان، اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و اجرای علنی مجازات را در رأی تصریح کند».

**. به‌طور مثال، ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی این‌گونه مقرر کرده است: حکم محکومیت قطعی در جرائم باعث حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاه‌برداری بیش از یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال در صورتی که باعث اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود. تبصره: انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود:

الف) رشاء و ارتشاء؛

ب) اختلاس؛

پ) اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال به‌وسیله مجرم یا دیگری؛

ت) مداخله وزیران و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معامله‌های دولتی و کشوری؛

ث) تبانی در معامله‌های دولتی؛

ج) دریافت پورسانت در معامله‌های خارجی؛

چ) تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت؛

ح) جرائم گمرکی؛

خ) قاچاق کالا و ارز؛

د) جرائم مالیاتی؛

ذ) پول‌شویی؛

ر) اخلال در نظام اقتصادی کشور؛

بعد از قطعیت یافتن حکم، نام و مشخصات شخص مجرم به همراه خلاصه‌ای از پرونده و مجازات اعمال شده برای اطلاع عموم در جراید درج می‌شود و برای این امر نیز توجیه‌های مانند چون بازدارندگی، ضرورت حفظ نظم اجتماعی، برقرار آرامش و حفظ نظم عمومی و سودمندی آن بیان شده است (همان).

صرف نظر از این که تشهیر مجرم، وافی به مقصود برای رسیدن به هدف‌های مجازات است یا خیر؟ این پرسش مطرح می‌شود که اگر برای هر مجازاتی ابتدا و انتهای قائل شویم، انتهای مجازات تشهیر کجاست؟ به بیان بهتر، به‌طور مثال، در مجازات حبس، شروع مجازات روزی است که محکوم علیه به سبب حکم قطعی به زندان وارد می‌شود و انتهای مجازات حبس نیز روزی است که محکوم علیه به میزان مقرر در حکم لازم‌الاجرا در زندان بوده است. درباره مجازات‌های دیگر نیز می‌توان ابتدا و انتهای آن‌ها را مشخص کرد اما درباره مجازات تشهیر با توجه به وجود اطلاعات و مشخصات مربوط به هویت مجرم در آرشیو جراید و رسانه‌های گوناگون (اعم از نشریه‌های کاغذی و بر خط)، در عمل هیچ انتهای را برای خاتمه این مجازات نمی‌توان متصور بود.

فارق از موضوع تشهیر مجرمان، در بسیاری از موارد در عمل شاهد تشهیر متهمانی هستیم که هنوز هیچ جرمی درباره آن‌ها به اثبات نرسیده است. نمونه این امر را می‌توان در ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مشاهده کرد. مطابق این ماده:

انتشار تصویر و دیگر مشخصات مربوط به هویت متهم در تمام مرحله‌های تحقیق‌های مقدماتی به وسیله رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است مگر درباره اشخاص زیر که فقط به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر یا مشخصات دیگر مربوط به هویت آنان مجاز است: الف) متهمان به ارتکاب جرایم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون* که متواری

(ز) تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی.
 هم‌چنین بند چ ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، «انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها» را یکی از مجازات‌های قابل اعمال بر اشخاص حقوقی دانسته است.
 *. جرایم مستوجب مجازات‌های سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو، جنایات عمدی علیخ تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن، جرایم باعث مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر.

بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از راه دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان یا تکمیل ادله، تصویر اصلی یا تصویر به دست آمده از راه چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود؛ ب) متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص گوناگون و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت یا اقامه دعوی خصوصی به وسیله آنان، منتشر می‌شود.

به‌رغم این که انتشار تصویر متهمان در این ماده فقط محدود به مرحله تحقیق‌های مقدماتی است و با ارسال پرونده به دادگاه، مجوز این عمل از بین می‌رود (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۹)*، با این حال در عمل، از بین رفتن این جواز هیچ اثری در عدم تشهیر این متهمان در مرحله دادرسی ندارد. توضیح این که امروزه با گسترش شبکه‌های مجازی و استفاده روزافزون از محیط سایبر برای انتقال داده‌ها و اخبار، با درج تصویر متهمان در جراید و رسانه‌ها، در عمل تصویر آنان کم‌وبیش تا همیشه در این محیط باقی خواهد ماند.

به جز تشهیر مجرمان و متهمان، در برخی موارد ممکن است اطلاعاتی درباره شخص در فضای مجازی منتشر شود که به‌رغم این که واجد عنوان مجرمانه خاصی - چه درباره شخص مورد نظر و چه درباره شخص منتشرکننده آن- نیست؛ با این حال، شخصی که این اطلاعات درباره وی منتشر شده است، به دلایلی تمایل به در معرض دیدبودن این اطلاعات برای دیگران ندارد، یکی از موارد درباره کسانی است که اسامی و مشخصات آن‌ها درباره جرم ارتکاب‌یافته، تحت عنوان‌هایی مانند بزه‌دیده، شاهد و مطلع مطرح می‌شود.

به جز موارد پیش‌گفته، در پاره‌ای موارد اسامی و مشخصات افراد، خارج از موارد قضایی و در تعامل‌های روزانه اشخاص در فضای مجازی مطرح می‌شود - نمونه این

*. قانون‌گذار در تبصره دو ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری، اجازه انتشار مشخصات شاکی در جریان رسیدگی را نیز صادر کرده است. بر طبق این تبصره، انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمه‌های علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی مانند خدشه‌دارشدن وجدان جمعی یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه امکان‌پذیر است.

مورد را می‌توان قراردادادن اطلاعات مربوط به ملک شخصی اشخاص به‌وسیله بنگاه‌های خریدوفروش مسکن بیان کرد. در این مورد نیز در عمل بعد از قرارگرفتن اطلاعات مورد نظر در فضای سایبر، در عمل این اطلاعات تا مدت‌های نامحدودی در دسترس اشخاص گوناگون قرار داده شده است.

ممکن است این نکته به ذهن برسد که در تمام این موارد، می‌توان با حذف صفحه اصلی که اطلاعات مورد نظر را منتشر کرده است در عمل آن اطلاعات را حذف کرد. گرچه این نکته صحیح است با این حال فقط آن را می‌توان محدود به مواردی دانست که اطلاعات مورد نظر در یک صفحه و لینک خاص بیان شده باشد؛ از این‌رو چنانچه صفحات (اعم از وب سایت‌ها، وبلاگ‌ها) و پایگاه‌های خبری گوناگونی چنین اطلاعاتی را درج کرده باشند به‌علت کثرت آن‌ها، در عمل امکان برقراری ارتباط با همه آن‌ها و درخواست حذف اطلاعات مورد نظر امکان‌پذیر نیست؛ چه این‌که اساساً بسیاری از این سایت‌ها از نظر مکانی در خارج از محدوده جغرافیایی کشورها قرار دارند و در عمل حاکمیت هر کشور قابلیت اعمال هیچ‌گونه نظارتی را بر محتوای آن‌ها را ندارد. افزون بر این حتی در فرض امکان‌پذیر بودن چنین عملی با توجه به نبود هیچ سازوکار قانونی خاصی برای این فرایند، هیچ الزام قانونی برای مالکان این پایگاه‌های خبری برای حذف اطلاعات مورد نظر وجود ندارد.

مجموعه بحث‌های مطرح‌شده در کنار برخی الزام‌های حقوق بشری (مانند حق بر حریم خصوصی) باعث شکل‌گیری مفهومی شده است که در ادبیات حقوقی و رسانه‌ای جهان به «حق بر فراموش شدن» تعبیر شده است. با توجه به این‌که از عمر پیدایش این مفهوم و بحث‌ها مرتبط با آن، کمتر از سه سال می‌گذرد، هنوز بسیاری از زوایه‌های این مفهوم و کارکردها و چالش‌های فراروی آن به خوبی تبیین نشده است؛ از این‌رو در نوشتار پیش‌رو در پی تبیین مفهوم این حق و چالش‌های پیش‌روی آن هستیم. بیان این نکته ضرور است که با توجه به نوظهور بودن این مفهوم در ادبیات حقوقی جهان، بالتبع در متن‌های حقوق ایران نمی‌توان به صراحت این حق را مشاهده کرد اما با این حال، شناسایی این حق در دکترین و پژوهش‌های حقوقی می‌توان به‌عنوان راهنمای قانون‌گذار در جهت شناسایی این حق در آینده نزدیک باشد. به این منظور در نوشتار

پیش‌رو پیشینه و فرایند شناسایی حق بر فراموش شدن بررسی شده و در ادامه با بیان مفهوم حق بر فراموش شدن و مبانی آن به بررسی چالش‌های فراروی پذیرش این حق پرداخته خواهد شد. افزون بر این به فراخور بحث، در پاره‌ای موارد نسبت به بررسی مصداق‌های شبیه به این عنوان در حقوق ایران مطالبی نیز بیان خواهد شد.

پیشینه حق بر فراموش شدن

با توجه به گستردگی پرونده‌های کیفری در سرتاسر جهان و عدم امکان دستیابی به آن‌ها، فرایند به رسمیت شناخته شدن این حق را باید در پرونده‌های خاصی جست‌وجو کرد که به علت ویژگی‌های خاص خود، بدون بیان این حق در عمل این حق درباره آن‌ها اعمال شده است. نخستین مورد از اعمال عملی حق بر فراموش شدن را در پرونده‌ای موسوم به «کشتار کاندلاریا (Candelaria massacre)» می‌توان مشاهده کرد.

در این پرونده شخصی در سال ۱۹۹۳م مظنون به کشتار هشت نوجوان در نزدیکی کلیسای کاتولیکی در ریودو ژانیرو شد، هر چند متهم از اتهام‌های وارد تبرئه شد، با این حال در سال ۲۰۰۶م تلویزیون دولتی برای بررسی جرایم خشونت‌آمیز در این کشور، تصویرهایی از این کشتار را به همراه تصویر مظنون مورد نظر *جوآرنیدیر گومز دی فرانکا (Jurandir Gomes de França)* نشان می‌دهد این امر باعث طرح شکایتی از سوی وی در این باره شد، وی این امر را نقض حق گمنامی خود و خانواده‌اش و نقض حریم خصوصی خود بیان کرد و اظهار داشت به این سبب وی قادر به یافتن شغلی برای خود نیست. رأی دادگاه تجدیدنظر در این باره دربردارنده دو نکته جالب توجه است: الف) اگر شخص پیش از آن حادثه، گمنام بوده است، حق دارد بعد از آن نیز گمنام بماند. ب) برای پدیدن ساختن اخلال در اصل آزادی بیان و آزادی مطبوعات، حادثه کشتار کاندلاریا هم‌چنان می‌تواند بیان شود با این محدودیت که دیگر نمی‌توان تصویر متهم اصلی این پرونده را نشان داد. سرانجام نیز دادگاه عالی، حکم به جزای نقدی شبکه «گلوبو (Globo TV)» به علت نقض حریم خصوصی شاکی داد (Itagib, Viol, 2016, P17).

در پرونده دیگری که در سال ۲۰۰۸م در آلمان مطرح شد، دو برادر به نام‌های *ولفگانگ ورل (Wolfgang Werlé)* و *مانفر لوبر (Manfred Lauber)* که به اتهام قتل

والتر سدلمایر (Walter Sedlmayr) در سال ۱۹۹۳م، هر یک به ۱۴ و ۱۵ سال حبس محکوم شده بودند، در سال‌های ۲۰۰۷م و ۲۰۰۸م پس از آزادشدن از زندان، از نشریه‌های آلمانی به علت قاتل خطاب کردن آن‌ها شکایت کرده و نیز خواهان حذف اسامی خود از سایت ویکی پدیای آلمانی زبان شدند. سایت ویکی پدیا به علت آنچه که مغایرت این درخواست با اصل آزادی رسانه‌ای می‌دانست درخواست حذف اسامی آن‌ها را نپذیرفت. با این حال و با توجه به تصمیم دادگاهی در آلمان در سال ۱۹۷۳م مبنی بر این که افراد این حق را دارند که بعد از گذراندن دوره محکومیت خود، درخواست کنند که سوابق سوءشان در جایی گزارش نشود، دادگاهی در هامبورگ موافقت کرد که اسم بردن از *ولفگانگ وِرل* و *مانفرد لوبر* در مقاله‌های بایگانی شده، تجاوز به حریم و حقوق فردی آنان شمرده شده و دستور داد این اسامی حذف شوند؛ از این رو، ویراستاران آلمانی ویکی پدیا این اسامی را از ویکی پدیای آلمانی حذف کردند. اما در سال ۲۰۰۹م، دادگاه قانون اساسی آلمان استدلال کرد که چنین حذفی سبب پدید آمدن محدودیت بر آزادی مطبوعات که مورد حمایت قانون اساسی است می‌شود؛ بنابراین *ورل* و *لوبر* باید در جاتی از نفوذ به حریم شخصی خود را بپذیرند. پس از رأی نهایی دادگاه، ویکی پدیای آلمانی دوباره این اسامی را در صفحه خود قرار داد (Schwartz, 2009).

در پرونده دیگری که در سال ۲۰۱۰م بررسی شد یکی از هنرپیشگان تلویزیون در کشور برزیل، از شرکت گوگل خواست که اسم وی را از هر صفحه‌ای که همراه با اسم وی کلمه «بچه بازی» [پدروفیلیا (Paedophile)] یا هر عنوان غیراخلاقی دیگر را نشان می‌دهد، حذف کند. دادگاه بدوی حکم به حذف صفحاتی که کلمه «Paedophile» و «Xuxa»، «Xuxa Meneghel» [نام و نام خانوادگی هنرپیشه بیان شده] را در خود دارند، داد. با این حال دادگاه تجدید نظر فقط حکم به حذف تصویرهای نیمه برهنه شخص پیش گفته داد.

این سه پرونده، بیانگر نمونه‌هایی از کوشش‌های صورت گرفته برای اعمال حق بر فراموش شدن در محاکم داخلی کشورهای گوناگون هستند. با این حق نه در قانون‌ها و محکمه‌های داخلی کشورها که در دیوان دادگستری اتحادیه اروپا برای

نخستین بار مورد پذیرش قرار گرفت. پیشنهادها برای اصلاح قوانین مربوط به «حمایت از اطلاعات (Data Protection)» نخستین بار در سال ۲۰۱۲م صورت پذیرفت، با این وجود، این پیشنهادها به تغییری در قانون بیان انجامدی درباره شناسایی حق بر فراموش شدن نشدند. اعمال اصلاحات در قانون حمایت از داده‌ها و شناسایی حق بر فراموش شدن در آن را باید پیرو بحث‌های صورت گرفته درباره پرونده دانست که طی آن یکی از اتباع اسپانیا به نام ماریو کوستر گونزالس (Mario Costeja González) با مراجعه به دادگاه کشور خود، درخواست حذف مطلب مربوط به وی را در یکی از روزنامه‌های اینترنتی کشور اسپانیا داده بود. بعد از عدم پذیرش خواسته گونزالس در دادگاه اسپانیا، وی به ناچار، اقدام به شکایت از گوگل در دیوان دادگستری اتحادیه اروپا کرد و سرانجام در دعوی خود علیه شرکت گوگل، این شرکت را مجبور به حذف مطالبی کرد که درباره خانه‌ای که دوباره در سال ۱۹۹۸م آن را تملک کرده بود کرد (EU, 2012; Preston, 2014). در ۱۳ می سال ۲۰۱۴م دیوان دادگستری اتحادیه اروپا (the Court of Justice of the European Union) حکم به حذف لینک‌های مرتبط با گونزالس در موتور جستجوگر گوگل داد ((CJEU) Isom, 2005, pII). اگرچه در رأی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا به صراحت از حق بر فراموش شدن اسم برده نشده بود با این حال به روشنی این حکم، نشان از پدیدساختن و به رسمیت شناخته شدن حق یادشده بود؛ از این رو حکم صادره به عنوان اجرای حق بر فراموشی در محدوده دستورالعمل حمایت از اطلاعات در اروپا (the European Data Protection Directive (DPD)) شناخته شد (Bartolia, Siry, 2016, p218).

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا افزون بر رسیدگی به پرونده گونزالس، نسبت به پرسش‌های طرح شده زیر از دادگاه کشور اسپانیا، به صورت زیر پاسخ گفت. پرسش‌های مطرح شده دادگاه اسپانیا عبارت هستند از:

۱. آیا دستورالعمل ۱۹۹۹م اتحادیه اروپا درباره حفاظت از اطلاعات قابلیت اعمال بر موتورهای جستجویی مانند گوگل را دارد؟
۲. آیا قانون‌های اتحادیه اروپا (به‌طور خاص دستورالعمل حفاظت از اطلاعات) قابلیت اعمال بر موتور جستجوی اسپانیایی زبان گوگل را دارد با توجه به این‌که موتور اصلی که کار پردازش داده‌ها را انجام می‌دهد (ماتور سرور) در ایالات متحده واقع شده است؟

۳. آیا یک فرد این حق را دارد که درخواست کند اطلاعات مرتبط با وی از موتورهای جستجو حذف شود؟ (حق بر فراموش شدن).
دادگاه اروپایی در ۱۳ می ۲۰۱۴م تشکیل جلسه داد و به پرسش‌های پیش گفته چنین پاسخ داد:

الف) درباره صلاحیت سرزمینی قوانین اتحادیه اروپا: قوانین اتحادیه اروپا بر هر موتور جستجویی که در اروپا ارائه خدمت می‌کند اعمال می‌شود؛ حتی اگر سرور پردازنده آن موتور جستجو به صورت فیزیکی در خارج از اتحادیه اروپا واقع شده باشد.
ب) درباره قابلیت اعمال دستورالعمل حفاظت از اطلاعات اتحادیه اروپا بر موتورهای جستجو: موتورهای جستجو کنترل‌کننده داده‌های مرتبط با اشخاص هستند. موتورهای جستجو داده‌ها شخصی را پردازش می‌کنند و گوگل نیز نمی‌تواند با این ادعا که فقط یک موتور جستجو است از مسئولیت در برابر قانون‌های اروپایی فرار کند.

ج) درباره حق بر فراموش شدن: اشخاص تحت برخی شرایط حق دارند که از موتورهای جستجو درخواست کنند اطلاعات شخصی مرتبط با ایشان حذف شود. این حذف زمانی باید صورت بگیرد که این اطلاعات غلط، ناکافی و غیرمرتبط باشد. دادگاه اروپایی باور دارد حق بر فراموش شدن حقی مطلق نیست و باید در تعادل با دیگر حقوق مانند حق آزادی بیان و آزادی‌های رسانه‌ای در نظر گرفته شود؛ بنابراین در هر پرونده ارزیابی موردی باید انجام شود تا مشخص شود آیا حذف اطلاعات درخواست شده در جهت اعمال حق بر حریم شخصی افراد است و تجاوزی منافع عمومی درباره دسترسی به اطلاعات صورت نگرفته است. درباره اثبات دعوا نیز دادگاه باور دارد این موتورهای جستجو هستند که باید اثبات کنند اطلاعات را نمی‌توانند حذف کنند چرا که هنوز مرتبط است (<http://www.tarjomaan.com/vdci.paqct1avubc2t.html>).

پیرو صدور این رأی از دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، «کمیسیون اروپا»^{*} در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۴م، با اعمال اصلاح‌هایی در قانون حفاظت از اطلاعات، به صراحت «حق

*. European Commission: این کمیسیون که متشکل از نمایندگان از اعضای اتحادیه اروپا است نقش قوه مجریه را در اتحادیه اروپا ایفا می‌کند و مسئول پیشنهاد قانون‌ها، اجرای تصمیم‌گیری‌ها، تنفیذ پیمان‌نامه‌ها و در مجموع انجام کارهای روزمره اتحادیه اروپا است.

بر فراموش شدن» را به رسمیت شناخت. بر این اساس، حق بر فراموشی به عنوان جزئی از قانون حفاظت از اطلاعات، این اجازه را به اشخاص می‌دهد که در خواست حذف لینک‌های مرتبط با وبسایت‌هایی را داشته باشند که سایت‌ها حاوی اطلاعات نادرست (Inaccurate)، بی‌ربط (Irrelevant) یا زنده (Excessive) هستند (Crese, 2015, p96).

مفهوم حق بر فراموش شدن

حق بر فراموش شدن، معادل فارسی اصطلاح انگلیسی «Right to be forgotten» است. از نظر لغوی در معنای آن ابهام خاصی وجود ندارد، از نظر ماهیتی نیز باید آن را در زمره حقوق ایجابی* افراد شمرد. از دید اصطلاحی برای این حق دو تعریف بیان شده است. تعریف نخست - که کمتر مورد توجه قرار گرفته است - این حق را این‌گونه بیان کرده است: اطلاعاتی که درباره یک شخص جمع‌آوری شده است نباید درباره هدفی غیر از هدف اولیه که آن اطلاعات به خاطر آن جمع‌آوری شده است به کار رود؛ بنابراین در مواردی که اطلاعات جمع‌آوری شده دیگر مورد نیاز نیستند این اطلاعات باید حذف شوند.

حق بر فراموش شدن در این مفهوم، نخستین بار در حقوق فرانسه و در قانون «فناوری اطلاعات، فایل‌های اطلاعات و آزادی‌های مدنی» (Information Technology, Data Files and Civil Liberty) مصوب ششم ژانویه ۱۹۷۳م بیان شده است (Isom, 2015, p2). بر طبق ماده ۲۸ این قانون «به جز در مواردی که در این قانون بیان شده است ذخیره‌کردن اطلاعات شخص ورای مدتی که مشخص شده است ممکن نیست...». برخی بر این باور هستند که این ماده، حق بر فراموش شدن را پدید آورده است (Flaherty, 1980, p98). با این حال، تا پیش از شناسایی حق بر فراموش شدن در مفهوم دوم خود در سال ۲۰۱۴م، نمی‌توان

*. از نظر ماهیتی حقوق افراد را می‌توان در دو گروه حقوق سلبی و حقوق ایجابی دسته بندی کرد. منظور از حقوق ایجابی، حقوقی است که شخص باید آن‌ها را داشته باشد و از آن‌ها به شکل مثبتی برخوردار شود؛ مانند: حق بر محاکمه عادلانه، حق بر آزادی بیان، حق بر بازپروری. در برابر حقوق سلبی، درباره موضوع‌هایی است که بنا به مخالفت با حقوق انسانی و شهروندی اشخاص نباید بر وی تحمیل شوند از جمله شکنجه شدن که به حق بر شکنجه نشدن می‌انجامد و نیز مجازات شدن که به حق بر مجازات نشدن انجامیده‌اند.

نمونه‌هایی از درخواست اجرای حق بر فراموش شدن را در رویه‌های قضایی مشاهده کرد. گذشته از قانون «فناوری اطلاعات، فایل‌های اطلاعات و آزادی‌های مدنی» در برخی از قانون‌های جزایی ایران نیز می‌توان موادی منطبق بر تعریف نخست از حق بر فراموش شدن را مشاهده کرد. ماده ۸ قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲ مجلس شورای اسلامی این‌گونه بیان کرده است:

اطلاعات و اسناد گردآوری شده در اجرای این قانون فقط در جهت هدف‌های تعیین شده در قانون مبارزه با پول‌شویی و جرایم منشأ آن استفاده خواهد شد افشای اطلاعات یا استفاده از آن به نفع خود یا دیگری به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به‌وسیله مأموران دولتی یا دیگر اشخاص مقرر در این قانون ممنوع بوده و متخلف به مجازات مندرج در قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹، محکوم خواهد شد.

تمرکز قانون‌گذار در این ماده فقط معطوف به عدم استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده در مواردی غیر از هدف‌های تعیین شده در قانون مبارزه با پول‌شویی و جرایم منشأ آن اشاره دارد و از لزوم حذف اطلاعات مورد نظر سخنی به میان نیامده است. ماده دیگری که در قانون‌های ایران، منطبق با تعریف بیان شده از حق بر فراموش شدن می‌توان بیان کرد مواد ۶۶۷ و ۶۶۸ و ۶۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با الحاقات و اصلاح‌های بعدی آن است. بر طبق ماده ۶۶۷ این قانون: «ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی مؤظف هستند داده‌های ترافیک را دست‌کم تا شش ماه پس از پدیدآمدن حفظ کنند و اطلاعات کاربران را دست‌کم تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند». تبصره یک این ماده، داده ترافیک را هر گونه داده‌ای بیان کرده که «سامانه‌های رایانه‌ای در زنجیره ارتباطات رایانه‌ای و مخبراتی تولید می‌کنند تا امکان ردیابی آن‌ها از مبدأ تا مقصد وجود داشته باشد. این داده‌ها شامل اطلاعاتی مانند: مبدأ، مسیر، تاریخ، زمان، مدت و حجم ارتباط و نوع خدمات مربوطه می‌شود». تبصره دو این ماده نیز اطلاعات کاربر را «هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی مانند: نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت‌زمان آن، هویت، نشانی جغرافیایی یا پستی یا قرارداد اینترنت (IP)، شماره تلفن و دیگر مشخصات فردی» تعریف کرده

است. ماده ۶۶۸ همین قانون نیز ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی داخلی را موظف کرده است تا اطلاعات کاربران خود را دست کم تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک و محتوای ذخیره شده و داده ترافیک حاصل از تغییرهای پدیدآمده را دست کم تا پانزده روز نگهداری کنند. ماده ۶۶۹ نیز شرایط لازم برای حفظ داده‌های رایانه‌ای ذخیره‌شده را بیان کرده و برای افشاکنندگان این داده‌های ذخیره‌شده چنانچه ضابط قضایی یا کارمند دولت باشد مجازات امتناع از دستور مقام قضایی و درباره اشخاص دیگر حسب از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از پنج تا ده میلیون ریال یا هر دو مجازات را در نظر گرفته است. تبصره‌های یک و دوم این ماده نیز با پافشاری بر این که «حفظ داده‌ها به منزله ارائه یا افشای آن‌ها نیست»، مدت‌زمان حفاظت از داده‌ها را حداکثر سه ماه تعیین کرده است.*

۴۹

حقوق اسلامی / حق بر فراموش شدن؛ از مفهوم‌شناسی تا چالش‌های ...

مفهوم مخالف تمام مواد بیان‌شده در قانون آیین دادرسی کیفری دلالت بر این گزاره دارند که «ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی» و «ارائه‌دهندگان خدمات کاربری» و اشخاصی که به داده‌های رایانه‌ای ذخیره‌شده دسترسی دارند، حق ندارند بیش از مدت زمان تعیین‌شده، حسب مورد ۱۵ روز، سه ماه یا شش ماه، نگهداری کنند. با این حال، در این قانون، برای عدم رعایت این موضوع، ضمانت اجرایی در نظر گرفته نشده است. تعریف دومی که درباره حق بر فراموش شدن ارائه شده، عبارت است از: «یک موتور جستجوگر باید موظف باشد که در شرایط خاص لینک‌های مرتبط با اسم یک شخص** را از نتیجه‌های جست‌وجوی خود حذف کند حتی اگر اطلاعات بیان‌شده در صفحه آن لینک حقیقت داشته باشند» (Isom, 2015, p8). این تعریف که با رأی صادره از دیوان دادگستری اتحادیه اروپا درباره *گونزالس* مرتبط است، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ به طوری که کم‌وبیش هر جا که از حق بر فراموش شدن صحبت می‌شود تعریف اخیر مدنظر است.

*. در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵، نیز درباره نگهداری از داده‌های اطلاعاتی در محیط سایبری و نیز شرایط و مدت‌زمان نگهداری آن‌ها موادی مقرر شده است که جهت جلوگیری از اطلاعات کلام در این جا از بیان آن‌ها پرهیز شده است.
**. لینک‌هایی که با جست‌وجوی اسم آن شخص در موتور جستجوگر در اختیار آن شخص جستجوکننده قرار داده می‌شود.

بعد از صدور رأی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا درباره پرونده گونزالس، بین موافقان و مخالفان بحث‌های گسترده‌ای صورت گرفت. بیشتر استدلال مخالفان این حق، معطوف به لزوم حفظ آزادی بیان بود. در فاصله زمانی بین صدور رأی پرونده گونزالس تا تصمیم کمیسیون اروپا درباره اصلاح قانون حفاظت از اطلاعات- که حق بر فراموش شدن را به صراحت به رسمیت شناخت-، برخی بر این باور بودند که رأی دیوان درباره پرونده گونزالس را می‌توان تفسیری توسعه‌یافته از دستورالعمل حمایت از اطلاعات در اروپا (DPD) درباره حق بر فراموش شدن دانست (Bartolini & Siry, 2016, P219). از این رو حتی در فرض عدم بیان این حق در قانون حفاظت از اطلاعات، باز هم باید قائل بر امکان و لزوم اجرای این حق در حوزه کشورهای عضو اتحادیه اروپا بود.

سرانجام با گنجانده شدن حق بر فراموش شدن در قانون حفاظت از اطلاعات، پیرو اصلاحات صورت گرفته در این قانون در سال ۲۰۱۴م، بر مبنای این حق به اشخاص این امکان داده می‌شود تا از موتورهای جستجوگر این درخواست را داشته باشند که لینک صفحات مرتبط با آن‌ها را حذف کنند؛ چنانچه: الف) باور داشته باشند آن اطلاعات نادرست است؛ ب) اطلاعات دیگر بی‌ربط باشند؛ ج) اکنون بیش از حد زنده تلقی شوند (Creese, 2015, p96). البته باید این نکته را مدنظر قرار داشت که نادرست، بی‌ربط یا زنده بودن اطلاعات، به معنای غیرقانونی بودن آن‌ها نیست؛ به این معنا که حتی اگر اطلاعات یا اسامی ثبت شده به صورت قانونی باشند اما واجد یکی از سه حالت (نادرست، بی‌ربط یا زنده بودن) بیان شده باشند، باز هم امکان حذف آن‌ها وجود دارد، احکام صادر شده در این باره نیز دلالت بر همین امر دارند (European Court of Justice, Case C-131/12, Para, p88). البته در برخی از کشورها، حذف داده‌ها و اطلاعات فقط در صورتی ممکن است که این داده‌ها حاوی تصویرهای خصوصی از روابط جنسی یا تصویرهای برهنه اشخاص باشد (Itagiba & Viola, 2016, p2).

نکته مهمی دیگری که باید به آن توجه شود این است که با این‌که در آرای صادره درباره حق بر فراموش شدن، بر موتور جستجوگر گوگل پافشاری شده است اما با این حال نباید این‌گونه تصور کرد که اعمال این حق در فضای سایبر فقط مختص به این موتور جستجوگر است بلکه توجه خاص به این موتور جستجوگر فقط به علت

غالب بودن استفاده از آن است که در اغلب موارد دریچه ورود افراد به جهان خارج است (Vaidhyanathan, 2001, p7).

مبانی حق بر فراموش شدن

۱. حق بر بازپروری مجرمان

بازپروری مجرمان از جمله هدف‌های اصلی عدالت کیفری، نخستین بار در قالب درمان پزشکی، مورد توجه بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی واقع شد (صفاری، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵). این مفهوم در اصطلاح به معنای «بهبودی اجتماعی یا اصطلاح اخلاقی همراه با حسن رفتار است» (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۳). درباره دلایل محق بودن افراد بر بازپروری و نیز ضرورت برگرفتن تدبیرهای بازپرورانه از سوی دولت و نهاد عدالت کیفری این‌گونه استدلال شده است که؛ اولاً، همه انسان‌ها دارای کرامت ذاتی هستند و نیز بزه‌کاری ریشه در عامل‌های گوناگونی دارد که برخی از این عامل‌ها ناشی از کوتاهی و غفلت دولت در برگرفتن تدبیرهایی برای جامعه‌پذیر کردن افراد است که سرانجام تعدادی از شهروندان را به سمت بزه‌کاری سوق می‌دهد (نیازپور، ۱۳۹۴، ص ۲۰). درباره کارکرد حق بر بازپروری مجرمان به‌عنوان یکی از مبانی حق بر فراموش شدن می‌توان از دیدگاه‌های مرتبط با «نظریه برچسب‌زنی» (Labeling Theory) استفاده کرد. مبنای نظریه برچسب‌زنی بر این باور استوار است که «وقتی یک فرد از سوی دیگران در قالب خاصی توصیف شود، در نتیجه [ی] فشار اجتماعی به تغییر ادراک از خویشتن و رفتار خود خواهد زد تا با این تعریف هماهنگ شود»* (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۲). از این‌رو چنان‌چه درباره شخصی که مرتکب رفتار مجرمانه‌ای شده است، برچسب مجرم بودن برای همیشه باقی بماند، این تداوم عنوان، در عمل دو نتیجه مهم را در پی خواهد داشت: الف) برچسب الحاق شده به فرد ممکن است توجه مخاطبان برچسب‌زن را به جلب کرده و باعث شود تا آنان

*. این باور نخستین بار به وسیله /ریکسون، جرم‌شناس آمریکایی در سال ۱۹۶۲م در کتاب *تایید بزه‌کار* مطرح شد.

برچسب‌زدن فرد را نگاه کرده و دنبال کنند. ب) ممکن است این برچسب از سوی فرد پذیرفته شده و درونی شود. هر کدام از این دو فرایند نیز ممکن است به تبدیل شدن فرد مجرم به یکی مجرم حرفه‌ای بینجامد (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵). از بحث‌های مطرح شده به خوبی می‌توان رابطه متضاد بین حق بر فراموش شدن و برچسب‌زنی را تشریح کرد.

برچسب‌زنی در ذات خود دربردارنده این مفهوم است که شخص مجرم یا منحرف به علت رفتار مجرمانه یا منحرفانه خود از سوی جامعه یا گروه محلی خود با برچسب مجرم یا منحرف شناخته می‌شود و این برچسب مانند لکه ننگی برای همیشه بر پیشانی شخص باقی خواهد ماند که در عمل باعث تشدید حرکت اول در راه بزه‌کاری یا انحراف خواهد شد. در برابر، حق بر فراموش شدن در پی زدودن برچسب‌های مجرمانه (یا غیرمجرمانه‌ای) است که به‌ویژه در محیط مجازی بر شخص الصاق می‌شود. حق بر بازپروری نیز در پی بازگرداندن مجرم به جامعه است. بر هم کنش حق بر فراموش شدن و حق بر بازپروری با برچسب‌زنی به این نتیجه خواهد انجامید که برای فراهم کردن امکان بازپروری مجرم باید به عدم الصاق برچسب مجرمانه به افراد یا زدودن برچسب مجرمانه از افراد با استفاده از حق بر فراموش شدن بود.

۲. حق بر حریم خصوصی

به‌رغم این‌که زندگی کردن در اجتماع لازمه جوامع مدرن امروزی است با این حال، پیشرفت‌های امروزی از راه تهاجم به حریم خصوصی افراد، بسیار بیشتر از آسیب‌های جسمانی، روح و روان افراد را مورد تهاجم و آسیب قرار داده‌اند. نگرانی درباره حفظ حریم خصوصی از تعرض وسایل ارتباط جمعی حتی در دهه‌های پیش از گسترش پدیده‌هایی مانند شبکه‌های ارتباط جمعی امروزی نیز وجود داشته است (Warren, Brandeis, 1980, p196).

حق بر حریم خصوصی، به‌عنوان «حق محرمانه بودن ویژگی‌های شخص یا مال وی از انظار عمومی» تعریف شده است (هارلو، ۱۳۸۳، ص ۱۶۳). مهم‌ترین مشخصه‌های حق بر حریم خصوصی را می‌توان دور از انظار عموم بودن، آزادی و مصونیت نام برد

که هر یک از این سه ویژگی لازم و ملزوم یکدیگر شمرده می‌شوند:

منظور از دور از انظار عموم بودن این است که رویدادهای یا اطلاعات مربوط به شخص، از آن اطلاعات و رویدادهایی باشند که در یک مکان عادتاً خصوصی مانند: منزل، اتاق هتل، غرفه تلفن یا در حکم خصوصی مانند: مطب پزشک، دفتر وکیل، فرم گزینش تحصیلی یا شغلی واقع یا اظهار شده باشند و آشکار شدن یا وقوع آن‌ها در محل‌ها و مکان‌های عمومی صورت نگرفته باشد؛ منظور از آزادی، یکی آزادی از قیدوبند، محدودیت، عادت‌ها و رسوم، فشار و کنترل و دیگری آزادی در انجام یا عدم انجام و چگونه عمل کردن در مکان خصوصی است و منظور از مصونیت، تکلیفی برگردن دیگران اعم از افراد حقیقی و حقوقی است که مزاحم و متعرض زندگی خصوصی، اندیشه‌ها، احساسات، امنیت، خانه، حیثیت و شخصیت افراد نشوند؛ یعنی زندگی خصوصی اشخاص مصون از تعرض و نقض است (موسی‌زاده و مصطفی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۵۶).

۵۳

حقوق اسلامی / حق بر فراموش شدن: از مفهوم شناسی تا چالش‌های ...

جایگاه حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی یک کشور از دو بُعد قابل بررسی است: الف) حمایت از حریم خصوصی و وضع ضمانت اجرا برای نقض این حق (بُعد حمایتی)، ب) مداخله دولت در حریم خصوصی افراد با هدف‌هایی مانند پیش‌گیری از وقوع جرم، کشف و تعقیب جرایم، حفظ نظم اجتماعی و ... (بُعد مداخله‌ای) (همان، ص ۴۶). درباره بُعد نخست این حق که بر حمایت از حریم خصوصی اشخاص مبتنی است می‌توان در سطح بین‌المللی، به ماده دوازده اعلامیه جهانی حقوق بشر* و ماده هفده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی** اشاره کرد که این حق را به رسمیت شناخته‌اند. از کنش حق بر حریم خصوصی و حق بر فراموش شدن می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که لازمه پذیرش حق بر حریم خصوصی، پذیرش مقدمه‌ها و لوازم آن است و حق بر فراموش شدن از مصداق‌های خاص و مبرز این حق است؛ چرا که تا زمانی شخص به زندگی در گمنامی توانا نباشد صحبت از حریم خصوصی بی‌گمان

*. هیچ‌احدی نباید در قلمرو خصوصی، خانواده، محل زندگی یا مکاتبه‌های شخصی، تحت مداخله [و مزاحمت] خودسرانه قرار گیرد. به همین سیاق شرافت و آبروی هیچ‌کس نباید مورد تعرض قرار گیرد. هر کسی سزاوار و محق به حفاظت قضایی و قانونی در برابر چنین مداخله‌ها و تعرض‌هایی است.
**. ۱. هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه یا مکاتبه‌ها، مورد دخالت خودسرانه (بدون مجوز قانونی) یا خلاف قانون قرار گیرد. هم‌چنین نباید شرافت و حیثیت وی مورد تعرض غیرقانونی واقع شود. ۲. هر کس حق دارد که در برابر این تعرض‌ها و دخالت‌ها از حمایت قانون برخوردار شود.

فاقد موضوعیت خواهد بود.

۳. مبانی اخلاق اطلاعات

درباره پافشاری موازین اخلاقی بر لزوم رعیت حق بر فراموش شدن برخی این گونه گفته‌اند که به‌رغم این که شرکت گوگل در برخی از کشورها مانند ایالات متحده، تعهدی برای اعمال حق بر فراموش شدن ندارد؛ با این حال از دید ملاحظه‌های اخلاقی، نه تنها هیچ ممنوعیتی برای اعمال این حق وجود ندارد بلکه موازین اخلاقی بر لزوم اعمال این حق، حتی با فرض عدم وجود قانونی لازم‌الاجرا در این باره پافشاری دارند (Isom, 2015, p18). درباره مبانی اخلاق اطلاعات برای به رسمیت شناخته شدن حق بر فراموش شدن، سه نظریه بیان شده است: از دیدگاه نظریه اول - که به دیدگاه کمینه‌گرا مشهور است - ارزش اطلاعات خصوصی بر پایه نتیجه‌های نامطلوبی است که ممکن است با نقض این حریم رخ دهند؛ به‌طور مثال، نقض حریم خصوصی یک شخص ممکن است در مواردی به فشار روحی و روانی بر وی و در مواردی باعث بی‌عدالتی در اجرای حقوق وی بینجامد (Floridi, 2013, p240-241). بر این اساس، رویکرد پیش‌گفته را می‌توان رویکردی نتیجه‌گرا دانست که ارزش حریم خصوصی را با توجه به آسیب‌های منتج از نقض آن مشخص می‌کند؛ بنابراین براساس این دیدگاه چنانچه اطلاعات بیان‌شده درباره شخص، ضرری (بالقوه یا بالفعل) برای شخص پدید نیآورند، در دسترس بودن آن‌ها برای اشخاص دیگر، تعارضی با حق بر فراموش شدن شمرده نمی‌شود؛ با این حال برخی نیز باور دارند نیازی به این که برای اعمال حق فراموشی، وجود ضرر یا آسیبی به شخص محرز یا محرز باشد وجود ندارد (Itagiba & Viola, 2016, p4).

دیدگاه دوم بر مالکیت مبتنی است. بر طبق این دیدگاه، اطلاعات بیان‌شده درباره شخص یا به‌وسیله خود وی پدید آمده‌اند یا این که در هر حال مرتبط با وی هستند - چون درباره وی صحبت کرده‌اند - از این رو شخص نسبت به آن‌ها حق مالکیت داشته و می‌تواند حذف آن‌ها را درخواست کند (Floridi, 2013, p241). منتقدان این دیدگاه، این گونه استدلال کرده‌اند که در بسیاری از موارد، شخص به اختیار خود، حق مالکیت

خود را به دیگران واگذارد؛ از این رو مالک جدید - در این جا شرکت گوگل و دیگر شبکه‌های خبری و اطلاعاتی - درباره نشر و بازنشر این اطلاعات دارای اختیار است و اساساً حقی برای شخص نمی‌توان در این باره متصور بود چه این که وی حق خود را واگذارده است (Isom, 2015, p23).

دیدگاه سوم، مبتنی بر رویکردی هستی‌شناسانه (Ontological approach) است، براساس این دیدگاه، ماهیت یک شخص از مجموعه‌ای از عامل‌های از جمله اطلاعات مربوط به وی تشکیل شده است؛ از این رو نقض حریم خصوصی اطلاعاتی شخص و افشای این اطلاعات [و نیز عدم حذف این اطلاعات با وجود درخواست شخص]، شکلی از تجاوز نسبت به حریم هویت شخصی وی شمرده می‌شود (Floridi, 2013, p243). منتقدان دو دیدگاه پیشین درباره این دیدگاه قائل بر این هستند که این دیدگاه قادر است به‌عنوان مبنایی برای حق بر فراموش شدن مورد استناد قرار گیرد (Isom, 2015, p23). به این رویکرد به‌عنوان رویکرد قالب در کشورهایی که حمایت از اطلاعات خصوصی اشخاص را بر مبنای کرامت انسانی (Human dignity) توجیه می‌کنند توجه شده است (Itagiba & Viola, 2016, p1).

چالش‌های فراروی حق بر فراموش شدن

۱. مخالفت با اصل آزادی بیان و آزادی اطلاعات

امروزه آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات از جمله حقوقی شمرده می‌شوند که به تحقق حق شهروندی به عنوان یکی از موضوع‌های اصلی در گفتمان مشارکتی کمک می‌کنند (نمک‌دوست‌تهرانی، ۱۳۸۳، ص ۶۳)؛ به طوری که از اطلاعات به «وجه رایج دموکراسی» تعبیر شده است (بیات، ۱۳۷۷، ص ۱۰۷). لازمه حُسن جریان اطلاعات نیز آزادی بیان در نشریه‌ها و رسانه‌ای مکتوب و مجازی است.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره اصل آزادی بیان این‌گونه اشعار داشته است: «هر کس حق آزادی باور و بیان دارد و حق پیش‌گفته شامل آن است که از داشتن باورها خود بیم و هراسی نداشته باشد و در کسب اطلاعات، اندیشه‌ها و دریافت

و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظه‌های مرزی آزاد باشد». از این رو اصولاً اصل بر این است که اشخاص در بیان باورها و آرای خود در زمینه‌های گوناگون آزاد هستند. با این حال در پاره‌ای اوقات بین حق آزادی بیان و حق حریم شخصی افراد تلاقی و تداخل پیش می‌آید. در برخی از موارد، قانون‌گذار (ایران) خود با گرایش به سمت یکی از این دو حق، به حل این تداخل اقدام کرده است؛ به‌طور مثال، قانون‌گذار درباره مواردی مانند علنی بودن محاکمات (ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲) حق جامعه برای دانستن نسبت به حریم شخصی مسولان سیاسی،* اولویت جامعه در حق اطلاع‌یافتن در امور بهداشتی** نسبت به حق آزادی بیان و درباره مواردی مانند تفتیش منازل، ممنوعیت نشر اکاذیب (ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی فصل تعزیرات) نسبت به حفظ حریم خصوصی اشخاص گرایش پیدا کرده است (محسنی، ۱۳۸۴، ص ۸۳-۷۹).

درباره حق بر فراموش شدن برخی این حق را بزرگترین تهدید برای آزادی بیان در فضای اینترنت در یک دهه اخیر دانسته‌اند (Bernal, 2013, p61). بحث درباره تعارض این حق با حریم خصوصی به‌ویژه بعد از صدور حکم گونزالس در گستره وسیعی رخ داد (Itagiba & Viola, 2016, p4). در حالی که برخی باور دارند که حق بر فراموشی در تناقض با حق آزادی بیان و آزادی مطبوعات است؛ در حالی که برخی بر این باور هستند که وجود چنین حقی باعث حمایت هر چه بیشتر از حریم خصوصی اشخاص می‌شود (libid, p1). به نظر می‌رسد هر چند بتوان پذیرش این حق را تا حدی تحدیدکننده حق آزادی بیان دانست با این حال، محدوده این تحدید را باید در نوع نظام سیاسی حاکم بر هر کشور جست‌وجو کرد. به این صورت که در نظام‌های توتالیتر

*. براساس اصل ۱۴۲ قانون اساسی ایران: «دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان پیش و بعد از خدمت، به‌وسیله رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که خلاف حق افزایش نیافته باشد».

** براساس آیین‌نامه قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار (مصوب ۱۳۲۵)، پزشکان موظف به حفظ اسرار بیماران هستند اما در شرایط خاص بیان‌شده در این آیین‌نامه، موظف به گزارش بیماری به اداره بهداشت هستند.

و اقتدارگرا* هر چند حریم خصوصی اشخاص تا حد بسیاری عرصه دست‌اندازی و تجاوز حاکمیت است با این حال با توجه به نبود رسانه‌ها و شبکه‌های مستقل، می‌توان گفت در این نظام‌ها کفه ترازو به سمت نادیده انگاشت حق بر آزادی بیان متمایل است. نکته دیگری که در این باره قابل بیان است بررسی چالش بین آزادی بیان و حق بر فراموش شدن است. به نظر می‌رسد می‌توان تعارض این دو حق را با توجه به گرایش به سمت یکی از دو دیدگاه اصالت حقوق فرد - در این جا حق بر فراموش شدن - یا اصالت حقوق جامعه - در این جا حق بر آزادی بیان - بررسی کرد.* از دید دیدگاه اصالت حقوق متهم (فرد) در تقابل با حقوق جامعه، «حکومت و دولت در حقیقت فرمانروای افراد نیست بلکه ابزار و واسطه‌ای است که زیستن افراد را بهتر تأمین می‌کند و خدمت‌گزار افراد است» (لنگرودی، ۱۳۸۳، ص ۲۲). نتیجه این دیدگاه، پذیرش تفوق حق بر فراموش شدن در برابر حق آزادی بیان است. دیدگاه مخالف با این نظریه، دیدگاه اصالت حقوق اجتماع است، براساس این دیدگاه، «فرد هیچ حق مطلق در برابر منافع عمومی ندارد» (حسنی و مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۳، ص ۲۴) و از این لحاظ در تقابل میان حقوق فردی و حقوق اجتماع، اولویت با حقوق اجتماع است. در مقام اختیار یکی از این دو دیدگاه، به نظر می‌رسد نتوان با قاطعیت حکم به قبول یکی از آن‌ها داد و نزدیک‌تر به صواب آن است که با توجه به نظر دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، در هر مورد به صورت جدا پرونده را بررسی کرد و با توجه به شرایط و اوضاع و احوال موجود در آن پرونده رأی به پذیرش یکی از دو حق بیان شده داد.

۲. سوءاستفاده به وسیله صاحبان قدرت

یکی از مسائلی مهمی که پیش و بعد از به رسمیت شناخته شدن حق بر فراموش شدن همواره اذهان منتقدان پذیرش این حق را به خود مشغول کرده است، امکان سوءاستفاده صاحبان قدرت و مرتکبان جرایم خطرناک از این حق در جهت از بین بردن آثار جرایم

*. در این باره رک به: یون و، مین، ۱۳۹۰، ص ۲۱۸-۱۹۱.

** هر چند قرارداد هر یکی از این دو حق در زمره حقوق اشخاص و حقوق جامعه را با اندکی تسامح می‌توان پذیرفت؛ چون در هر حال هر دو حق تا اندازه‌ای هم شخصی و هم اجتماعی هستند.

خود بوده است. بیان این نکته ضرور است که اگر چه با پذیرش این حق، اکنون گرایش به سمت هر چه بیشتر شدن امکان حذف اطلاعات اشخاص از فضای مجازی است اما همان طور که بیان شد نمی توان این حق را به صورت مطلق پذیرفت و دست کم در برخی موارد و بنا به برخی ضروریات اجتماعی باید قائل بر لزوم حفظ اطلاعات در فضای مجازی و عدم پذیرش حق بر فراموش شدن شد.

درباره امکان سوءاستفاده از این حق باید بین جرایم رخ داده به وسیله مجرمان در موارد جرایم خطرناک و اطلاعات جمع آوری شده به وسیله دولت علیه شهروندان جامعه قائل به تفکیک شد. در حالت نخست با توجه به وضعیت خاص این جرایم و مرتکبان آن ها به نظر می رسد پذیرش این حق، زمینه سوءاستفاده گسترده از این حق را فراهم می کند؛ به طور مثال، در طی سه ماه پس از محکومیت شرگت گوگل در پرونده *گونزالس*، در حدود ۱۳۰ هزار پرونده درباره حق بر فراموش شدن به ثبت رسید، بیش از نیمی از این موارد درباره کلاه برداری، جرایم خشن و سوءاستفاده جنسی از کودکان بود* (The Report, 2014).

اما درباره اطلاعات جمع آوری شده به وسیله دولت علیه شهروندان، پذیرش این حق را می توان خواست عمومی اکثریت جوامع اروپایی برگرفته از کارکردهای خاص سرویس های اطلاعاتی و جاسوسی این کشورها علیه شهروندان دانست. به طور مثال، تمایل اتحادیه اروپا به پذیرش این حق را می توان به حساسیت جوامع اروپایی درباره سوءاستفاده آلمان نازی از اطلاعات جمع آوری شده درباره یهودیان در خلال جنگ جهانی دوم، سوءاستفاده «اشتازی»** از اطلاعات جمع آوری شده درباره شهروندان در آلمان شرقی و نیز فعالیت های «کا گ ب» (KGB: اداره اطلاعات و امنیت اتحاد جماهیر شوروی سابق) مرتبط دانست (Isom, 2015, p4).

*. از میان درخواست های ارائه شده در حدود نیمی از این درخواست ها در همان ابتدا تأیید شد، درباره سی درصد تحقیقات شروع شد و بیست درصد نیز بدون بررسی اولیه رد شدند.
 **. Stasi: وزارت امنیت آلمان شرقی، موسوم به اشتازی که در سال ۱۹۵۰م تشکیل شد و در طی چهل سال فعالیتش با در اختیار داشتن دویست هزار نفر افسر اطلاعاتی و خبرچین، برای ده میلیون شهروند آلمان شرقی پرونده تشکیل و بر تمام فعالیت های شهروندان نظارت سخت گیرانه ای را اعمال می کرد.

با توجه به این تفکیک به نظر می‌رسد می‌توان با ارائه معیاری دامن‌دهی حق بر فراموش شدن را تا حدودی مشخص و از استفاده صاحبان قدرت و مرتکبان جرایم خاص از این حق جلوگیری کرد، به این صورت کرد که درباره اطلاعات جمع‌آوری شده به وسیله دولت علیه شهروندان و نیز درباره فعالیت‌های خاص قضایی و پلیسی مانند تحقیق‌های فعالانه* قائل به پذیرش حق بر فراموش شدن به منظور حمایت از حقوق آزادی‌های اشخاص در برابر حاکمیت و دستگاه‌های عدالت کیفری شد. در برابر، درباره جرایم خطرناک اشخاص، بنا بر مصالح اجتماعی خاص و لزوم حفظ نظم و امنیت جامعه، قائل به عدم پذیرش این حق بود.

۳. پدیدساختن چالش‌های اداری - اقتصادی برای شرکت‌های تجاری

یکی از مهم‌ترین چالش‌های اعمال حق بر فراموش شدن، به‌ویژه درباره شرکت‌های اقتصادی، تعارض اعمال این حق با منافع اقتصادی و مالی این شرکت‌هاست (Bennett, 2010, p165-166). مهم‌ترین علت مخالفت شرکت گوگل با این اقدام را می‌توان، مزیت‌های اقتصادی بسیار فراوان این شرکت از جست‌وجوهای کاربران خود با موتور جستجوگر این شرکت دانست. در پرونده *ولفگانگ لور و مانفرد لوریر*، دادگاه قانون اساسی آلمان، به‌علت به همراه داشتن بار مالی سنگین برای ویکی پدیا در صورت حذف اطلاعات مربوط به این دو شخص، حکم به عدم حذف آن‌ها - بنابراین حکم به عدم اجرای حق بر فراموش شدن - را صادر کرد (Schwartz, 2009). با این حال، در پاسخ به چنین چالشی، این‌گونه استدلال شده است که اگر اعمال این حق - و به تبع آن حذف لینک‌های مورد نظر - متعارض با الزامات اقتصادی است، به همین ترتیب ارائه لینک به اطلاعات خاص، خود امری اقتصادی است (Isom, 2015, p18).

*. تحقیق‌های فعالانه، تحقیق‌هایی هستند که در آن‌ها، پلیس قرینه‌ها و شواهدی جهت کشف و اثبات جرم ندارد و به همین جهت با روش‌های غیرمعمول در نزدیک شدن به مظنونان و متهمان به جهت کسب ادله برای اثبات وقوع جرم می‌کوشد؛ از این‌رو این نوع از تحقیق‌ها بر پایه محاسبه احتمال رخدادی در آینده و پیش‌بینی آشکال گوناگونی از مداخله در چنین رخدادی خواهند بود. در این‌باره ر.ک به: غلامی، موذن‌زادگان و حیدری، ۱۳۹۵.

افزون بر این خود شرکت‌هایی مانند گوگل نیز تا پیش از به رسمیت شناخته شدن این حق، به صورت عملی این حق را اعمال کرده‌اند؛ به طور مثال، شرکت گوگل، سال‌ها به شرکت یوتیوب - به عنوان بزرگترین شرکت زیرمجموعه گوگل - اجازه داده است تا خودش یا به درخواست کاربران، ویدئوهای حاوی محتوای «برهنگی یا جنسی» (Nudity or Sexual)، «مضر یا خطرناک» (Harmful or Dangerous)، «خشونت‌آمیز یا گرافیکی» (Violent or Graphic)، «نفرت‌انگیز» (Hateful)، «نقض‌کننده کپی‌رایت» (By violating copyright) و ... را از سایت خود حذف کند (YouTube Community Guidelines, 2015).

برخی باور دارند که حق بر فراموش شدن تهدیدی برای ماهیت اینترنت شمرده می‌شود (Rosen, 2012, p99)، لری پیچ مدیر عامل گوگل، در این باره باور دارد که اگرچه شرکت گوگل به حکم دادگاه تمیکن کرده است، با این حال، اعمال این حق می‌تواند روند نوآوری در اینترنت را مختل کند (Wikipedia). به نظر نگارندگان، هر چند استفاده‌ی افراطی از حق بر فراموش شدن را می‌توان نافی ماهیت اینترنت دانست اما نباید با این استدلال به کل از اعمال این حق نیز صرف نظر کرد بلکه همان‌طور که بارها به آن اشاره شده است، حدود و ثغور هر حق را باید با توجه به دیگر حقوق مشخص کرد.

یکی دیگر از چالش‌های فراروی حق بر فراموش شدن در این حوزه را این‌گونه بیان کرده‌اند که اطلاعات ممکن است به علت خطای مدیریتی درباره حق بر فراموش شدن حذف شوند و نه به علت خود اعمال این حق (Lee, 2014). باید توجه داشت که هر چند ظاهر این استدلال درست به نظر می‌رسد اما می‌توان به آن این‌گونه پاسخ داد که وقوع خطای مدیریتی در هر سطح و هر حوزه‌ای امری محتمل است و نمی‌توان به صرف امکان وقوع خطای مدیریتی از اعمال این حق که در ارتباط مستقیم با حقوق و آزادی‌های شهروندان است چشم‌پوشی کرد.

نتیجه

انتشار اسم و مشخصات افراد در فضای سایبر (و نیز در جراید کاغذی)، در دو حالت

کلی ممکن است صورت گیرد. در حالت نخست که واجد جنبه قضایی می باشد ممکن است مشخصات افراد بنا به حکم و دستور مقام قضایی و در جهت فراهم کردن امکان دستگیری متهم یا به منظور تشهیر مرتکب جرم صورت گیرد. در حالت دوم - که فاقد جنبه قضایی است - شخصی اسم یا مشخصات یا اطاعات خاصی - اعم از این که درباره خود یا دیگران باشد - را در فضای مجازی منتشر می کند. در هر کدام از این دو حالت با توجه به گستردگی فضای مجازی و دسترسی افراد در سراسر جهان، این اطلاعات در مدت زمان بسیاری کوتاهی قابل دسترسی به وسیله همه کاربران فضای مجازی است. وجود این امکان به همراه برخی الزام های حقوقی - جرم شناختی مانند حق بر حریم خصوصی و حق بر بازپروی سبب شده است در چند سال اخیر مفهومی تحت عنوان «حق بر فراموش شدن» ظهور و بروز یابد. شناسایی حقی تحت این عنوان را اگر چه باید مرهون حکم دیوان دادگستری اتحادیه اروپا دانست با این حال، زمینه شکل گیری آن را باید دعاوی مطروحه در دادگاه های داخلی برخی از کشورهای اروپایی و امریکایی دانست.

از همان آغاز شناسایی مفهومی تحت این عنوان، بحث های پردامنه ای بین مخالفان و موافقان این حق در گرفت. به طور کلی می توان نظریه های ارائه شده درباره حق بر فراموش شدن را در سه دسته اصلی طبقه بندی کرد: ۱. دسته نخست کسانی هستند که به پذیرش مطلق حق بر فراموش شدن باور دارند. استدلال های این گروه درباره پذیرش مطلق این حق را می توان به طور خلاصه شامل موارد زیر دانست: لزوم حفظ حریم خصوصی اشخاص، حق بر ناشناخته بودن، حق بر بازپروی مجرمان، ممانعت از برچسب زنی مداوم به مجرمان و جرم ناکردگان، حق مالکیت اشخاص نسبت به اطلاعات شخصی یا اطلاعات مرتبط با خود، حفظ اطلاعات خصوصی افراد به عنوان جزئی از شخصیت آنها و ... ۲. دسته دوم که به عدم پذیرش مطلق این باور دارند استدلال های خود را پیرامون موارد زیر متمرکز کرده اند: شناساندن مجرمان به جامعه به منظور دستیابی به هدف های بازدارندگی، حق بر آزادی بیان، حق بر آزادی رسانه ای، فراهم آمدن امکان سوء استفاده صاحبان قدرت از این حق در جهت حذف سوابق و پیشنه جرایم و جنایت های خود، فراهم ساختن بستری برای تحریف تاریخ، پدید ساختن

چالش‌های اقتصادی برای شرکت‌ها و نهادهای تجاری، پدیدساختن اخلال در روند نوآوری در فضای سایبر و ... ۳. دسته سوم به پذیرش نسبی حق بر فراموش شدن باور دارند: از دیدگاه این گروه، حق بر فراموش شدن نیز مانند بسیاری از حقوق دیگر را باید در تعامل با دیگر حقوق سنجید؛ از این رو به‌طور قاطع نمی‌توان حکم به پذیرش یا عدم این حق صادر کرد. این گروه بر این باور هستند که حق بر فراموش شدن به‌عنوان حقی اساسی برای هر فرد را باید با معیارهایی مانند حق بر آزادی بیان، حق بر آزادی رسانه‌ها، حق بر حریم خصوصی و مواردی از این دست سنجید؛ بنابراین هر مورد که اعمال این حق مورد نظر قرار دارد باید با سنجش بین این حق و دیگر حقوق بیان‌شده تا مشخص شود آیا حذف اطلاعات درخواست‌شده در جهت اعمال حق بر حریم شخصی افراد می‌باشد و تجاوزی منافع عمومی درباره دسترسی به اطلاعات صورت نگرفته است (<http://www.tarjomaan.com/vdci.paqct1avubc2t.html>).

با توجه به بحث‌های صورت‌گرفته، نتیجه‌های بحث را می‌توان در چند بند به‌صورت زیر بیان کرد:

۱. حق بر فراموش شدن درباره بزه‌کاران (بعد از اتمام مدت محکومیت) و درباره متهمان (پس از منع تعقیب یا مختومه‌شدن پرونده) و درباره اشخاص دیگر در هر زمانی قابلیت اعمال را دارد.
۲. حق بر فراموش شدن، حقی نسبی است و حوزه اجرایی آن را باید با توجه به دیگر حقوق و آزادی‌های اشخاص تعیین کرد.
۳. در هر مورد که درباره اعمال یا عدم اعمال حق بر فراموش شدن ابهام وجود داشته باشد با توجه به مبانی بیان‌شده برای این حق، اعمال این حق از جهت موازین حقوق بشری و حقوق شهروندی مقرون به صواب است.
۴. ویژه اطلاعات جمع‌آوری‌شده به‌وسیله دولت علیه شهروندان، به‌علت ضروریات حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندان، اصل بر لزوم اعمال حق بر فراموش است. در برابر، درباره جرایم ارتکاب‌یافته که واجد ویژگی‌های خاصی - به‌علت شدت و گستردگی جرم ارتکاب‌یافته، ویژگی خاص مجرم و ...- هستند باید اصل را بر عدم اعمال این حق دانست.

۵. با توجه به عام بودن این حق و نیز رویه کلی قوانین بسیاری از کشورها - از جمله ایران- درباره مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، ظاهراً باید قائل بر اعمال این حق درباره اشخاص حقوقی شد.

۶. با توجه به این که بر طبق ماده ۵۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، «شخصی که به سبب حکم قطعی، براءت حاصل کند، می تواند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی، از دادگاه صادرکننده حکم نخستین درخواست کند که حکم براءت از محل اعتبارات مربوط به قوه قضائیه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار منتشر شود» و نیز طبق تبصره یک ماده چهارده همین قانون که زیان معنوی را صدمه های روحی و هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی دانسته است و جبران آن را از راه هایی مانند الزام به درج عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن دانسته است. به نظر می رسد در قوانین ایران نیز منعی برای پذیرش درخواست شخص مبنی بر حذف اسم و مشخصات وی از رسانه ها وجود نداشته باشد.

۷. با توجه به این که قانون گذار ایران، اعاده حیثیت مرتکبان جرایم را در قانون مجازات اسلامی (تبصره دو ماده ۲۶) به نظر می رسد قانون گذار می تواند با اصلاحیه ای بر قانون مجازات اسلامی، لزوم حذف نام شخص محکوم علیه از جراید و رسانه ها را به عنوان یکی از راه کارهای کاربردی در اعاده حیثیت وی مدنظر قرار دهد.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، شهرام؛ «بازپروی عادلانه مجرمان»؛ آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۳، ۱۳۹۱.
۲. بیات، کاوه؛ «اسناد تاریخی و مسئله آزادی اطلاعات»؛ فصلنامه گفتگو، ش ۲۰، ۱۳۷۷.
۳. بیکس، برایان.اچ؛ فرهنگ نظریه های حقوقی؛ ترجمه و تحقیق: عباس ایمانی؛ چ ۲، تهران: انتشارات نامه هستی، ۱۳۹۰.
۴. جوان، فاطمه؛ تبیین فقهی - حقوقی و جرم شناختی کیفر تشهیر؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

۵. حسنی، عباس و حسن‌علی مؤذن‌زادگان؛ «دفاع دام‌گستری، از مفهوم‌شناسی تا آثار»؛ مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۸، ش ۸۵، ۱۳۹۳.
۶. خالقی، علی؛ نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری؛ چ ۴، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۴.
۷. صفاری، علی؛ کیفرشناسی؛ تهران: نشر جنگل، ۱۳۸۷.
۸. غلامی، حسین؛ تکرار جرم؛ بررسی حقوقی جرم‌شناختی؛ چ ۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
۹. غلامی، نبی‌الله، مؤذن‌زادگان، حسن‌علی و الهام حیدری؛ «رویکرد فعالانه در فرایند تحقیقات مقدماتی؛ مبانی و جلوه‌ها با نگرشی تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه و امریکا»؛ فصلنامه دانش انتظامی، دوره هجدم، ش ۷۳، ۱۳۹۵.
۱۰. فوکو، میشل؛ مراقبت و تنبیه؛ تولد زندان؛ مترجم: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده؛ چ ۱۵، تهران: نشر نی، ۱۳۹۵.
۱۱. لنگرودی، محمدجعفر؛ مقدمه عمومی علم حقوق؛ چ ۹، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۳.
۱۲. محسنی، فرید؛ «تلاقی حریم شخصی و آزادی اطلاعات در حقوق ایران»؛ فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۳۶ و ۳۷، ۱۳۸۴.
۱۳. موسی‌زاده، ابراهیم و فهیم مصطفی‌زاده؛ «نگاهی به مفهوم و مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی عرفی»؛ فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، س ۱، ش ۲، ۱۳۹۱.
۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیکی؛ دانشنامه جرم‌شناسی؛ چ ۲، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۰.
۱۵. نمک‌دوست تهرانی، حسن؛ «آزادی اطلاعات و حق دسترسی: بنیان دموکراسی»؛ فصلنامه مجلس و راهبرد، ش ۴۲، ۱۳۸۳.
۱۶. نیازپور، امیرحسن؛ «حق زندانیان بر تحصیل در قلمرو سیاست جنایی تقنینی سازمان ملل متحد و ایران»؛ اندیشه‌های حقوق کیفری، س ۱، ش ۱، ۱۳۹۴.
۱۷. ویلیامز، فرانک پی، مک شین، ماری لین دی؛ نظریه‌های جرم‌شناسی؛ مترجم: حمیدرضا ملک محمدی؛ چ ۴، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱.
۱۸. هارلو، کارل؛ شبه جرم؛ مترجم: کامبیز نوروزی، چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳.

۱۹. یون وُو، مین؛ «درآمدی بر سیاست جنایی توتالیترا: جرم و مجازات در کره شمالی (با تاکید بر نقش پلیس)»؛ مترجم: حسین غلامی؛ فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۱۹، ۱۳۹۰.

20. Akers, Ronald L. Sellers, Christine S; **Student Study Guide for Criminological Theories: Introduction, Evaluation, Application**; Prepared by: Eric See, Methodist University Elicia Kieser, Methodist University, New York Oxford, Oxford University Press, 2013.
21. Bartolini, Cesare. Siry Lawrence; "The right to be forgotten in the light of the consent of the data subject"; **computer aw & security review** 32, 2016.
22. Bernal, Paul; "The EU, the US and the Right to be Forgotten"; **In Reloading Data Protection: Multidisciplinary Insights and Contemporary Challenges**, edited by Serge Gutwirth, Ronald Leenes, and Paul De Hert, 61–77. Dordrecht, Netherlands: Springer, 2013.
23. Creese, Sharon; "In search of oblivion? How the 'Right to be Forgotten' could undermine web-based corpora"; **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, 198, 2015.
24. European Commission; **Commission proposes a comprehensive reform of the data protection rules to increase users' control of their data and to cut costs for business** [online], Available from: http://europa.eu/rapid/press-release_IP-12-46_en.htm [30 March 2015], 2012.
25. Financial Tables; Google Inc., accessed April 1, 2015, <https://investor.google.com/financial/tables.html>, table 1 (\$50.547 billion advertising revenue; \$55.519 billion total revenue), 2014.
26. Flaherty, David H; "Protecting Privacy in Surveillance Societies: The Federal Republic of Germany"; Sweden, France, Canada, and the United States. Chapel Hill: **University of North Carolina Press**, 1989.
27. Floridi, Luciano; "The Ethics of Information"; Oxford: **Oxford University Press**, 2013.
28. Gibbs, J. Crime; **Punishment and deterrence**; New York: Elsevier, 1975
29. <http://www.tarjomaan.com/vdci.paqct1avubc2t.html>.
30. Jeffrey Rosen; "The Right to Be Forgotten," *Stanford Law Review Online* 64 (February 13, 2012,): 92. <http://www.stanfordlawreview.org/online/privacy-paradox/right-to-be-forgotten>.
31. Lee, D; 'Google reinstates 'forgotten' links after pressure', *BBC News Technology* [online], Available from: <http://www.bbc.co.uk/news/technology-28157607>, 28 [February 2015], 2014.
32. Mario Viola de Azevedo Cunha, Gabriel Itagiba; Between privacy, freedom of information and freedom of expression: Is there a right to be forgotten in Brazil?, *computer law & security review*, p: 1-8, 2016.

33. Preston, R; 'Why has Google cast me into oblivion?' BBC Business News, 2 July 2014 [online]. Available from: <http://www.bbc.co.uk/news/business-28130581> [28 February 2015], 2014.
34. Samuel D. Warren and Louis D. Brandeis; "The Right to Privacy"; **Harvard Law Review** 4, no. 5 (1890): 196.
35. Schwartz, John; Two German Killers Demanding Anonymity Sue Wikipedia's Parent, <http://www.nytimes.com/2009/11/13/us/13wiki.html>, 2009.
36. Stephen C. Bennett; "The 'Right to Be Forgotten': Reconciling EU and US Perspectives"; **Berkeley Journal of International Law** 30, no. 1, 2012.
37. The Report; **BBC Radio 4 The 'Right to be Forgotten'**; 18 September 2014, 8pm, 2014.
38. Vaidhyanathan, Siva; "The Googlization of Everything (And Why We Should Worry)"; **Berkeley: University of California Press**, 2011.
39. www.wikipedia.org
40. YouTube Community Guidelines; "YouTube LLC, accessed April 1, 2015, http://www.youtube.com/t/community_guidelines, "Don't cross the line".